



ژئوپلیتیک قدرت؛ درک ما و آمریکایی‌ها از موقعیت‌ها

چگونه در هندسه آینده دنیا نقش ایفا کنیم؟

اسپانیایی‌ها زمانی ابرقدرت اروپا بودند؛ آن‌ها با سواره‌نظام معروفشان قاره‌ی اروپا را زیر سم اسبان خود کشیده بودند و با حمایت کلیسای کاتولیک بر آن قاره حکمرانی می‌کردند. اما اوضاع این‌طور نماند؛ به مرور و با رشد دانش، کشتی‌های جنگی به ارتش‌ها اضافه شدند و از این‌جا بود که نیروی دریایی قدرتمند انگلستان به‌جای ارتش اسپانیا نه‌تنها قاره‌ی اروپا بلکه دنیایی که تا آن زمان کشف شده بود را تحت سیطره‌ی خود درآورد.

از طرف دیگر، رفتارهای نامعقول کلیسا و ناتوانی‌اش در پاسخگویی به سوالات و ابهامات مردم، موجب ایجاد شکافی عمیق در جهان مسیحیت شد. گروهی که خود را پروتستان می‌نامیدند، از زیر پرچم کلیسای کاتولیک روم بیرون رفتند و جنگی ۳۰ ساله میان پروتستان‌ها و کاتولیک‌ها درگرفت. جنگ و درگیری، نظم سابق اروپا را شکست و در نهایت این پروتستان‌ها بودند که بر کلیسای روم برتری یافتند و سرانجام رکن دوم قدرت اسپانیایی‌ها هم فروریخت. اسپانیایی‌ها دو چیز را از دست دادند؛ یکی سواره‌نظامی که ابزار قدرتشان بود و دوم مشروعیت ناشی از حمایت کلیسای مقتدر روم که عنصر هویت‌سازشان بشمار می‌رفت. هندسه‌ی دنیا بعد از یک بی‌نظمی قرار دوباره یافت.

این‌بار اما انگلستان که از کلیسای کاتولیک جدا شده بود، با نیروی دریایی قدرتمند خود، آب‌ها را درنوردید و ژئوپلیتیک دنیا را تغییر داد. همین جزیره‌ی کوچک در غربی‌ترین بخش قاره‌ی اروپا بود که تا سه قرن بعد هم، قوانین حاکم بر دنیا را وضع می‌کرد و با نیروی دریایی قدرتمندش و تلاش سیاسی‌اش تا شرقی‌ترین سواحل و سرزمین‌ها همچون هند را به استعمار کشاند. برژینسکی در کتاب آمریکا و مهار بحران قدرت به جابه‌جایی قدرت از غرب به شرق اشاره می‌کند و با پرداختن به تحولات و حوادث منطقه‌ی غرب آسیا می‌نویسد که در جهان چنان بیداری سیاسی رخ داده است که در طول تاریخ بی‌سابقه بوده و اگر آمریکا مجموعه‌ای از اقدامات را انجام ندهد، دیگر نقشی در جهان آینده نخواهد داشت.

ژئوپلیتیک دنیا و درک آمریکایی‌ها از موقعیت امروز خود

صحبت از ژئوپلیتیک دنیا، صحبت درباره‌ی نقشه‌ی سیاسی جهان است. ژئوپلیتیک با ارائه‌ی تصویری کلان، روش ارتباط تحولات محلی و منطقه‌ای با سیستم و نظام جهانی را به‌عنوان یک کل ارائه می‌دهد. ژئوپلیتیک طیف وسیعی از وقایع، برخوردها و تحولات را در درون یک چشم‌انداز استراتژیکی بزرگ قالب‌گیری می‌کند و از دل آن می‌کوشد تا آرایش بازیگران، عناصر و موقعیت‌های مختلف را به‌طور هم‌زمان بر روی صفحه‌ی شطرنج جهان ترسیم کند. هنر نگاه ژئوپلیتیک این است که جهت‌گیری آینده‌ی امور بین‌المللی و شکل آینده‌ی نقشه‌ی سیاسی جهان را نشان می‌دهد.

همین نگاه ژئوپلیتیکی به ما نشان می‌دهد که دنیای امروز در همان حالت اغتشاشی قرار دارد که اروپا در جنگ‌های ۳۰ ساله‌ی خود تجربه کرد. دوران گذاری که در انتهای آن، قدرت‌های پیشین جای خود را به قدرت‌های جدید می‌دهند.

این موضوع را آمریکایی‌ها فهمیده‌اند و برای آن‌که خود را بر قله‌ی قدرت نگه دارند به‌دنبال یافتن راه‌حل می‌گردند. متفکران و استراتژیست‌های مطرح و مؤثر در تنظیم سیاست‌های آمریکا امروز از جابه‌جایی قدرت از غرب به شرق یاد می‌کنند. زبینگیو برژینسکی که زمانی مشاور ارشد امنیت ملی در کاخ سفید در دوره‌ی کارتر بود، در سال ۲۰۰۲ مقاله‌ای نوشت در خصوص این‌که آمریکا چگونه قدرت خویش را حفظ کند؟ برژینسکی با تقسیم دنیا به چهار گروه آمریکا، متحدان، حاکمان وابسته و مردم معتقد بود که گروه سوم را باید در حالت توأمان سرکوب و حمایت نگه‌داشت تا آن‌ها از یک طرف احساس استقلال نکنند و جرأت اقدام علیه آمریکا را نداشته باشند و از سوی دیگر هم بتوانند مردم تحت حاکمیتشان را مدیریت کنند. برای سلطه‌ی آمریکا بر گروه چهارم هم می‌گوید که باید مانع از متحدشدنشان شد.

اما تحولات دنیا بر وفق مراد برژینسکی پیش نرفت؛ به‌طوری‌که ۱۰ سال بعد او در کتابی با نام آمریکا و مهار بحران قدرت به جابه‌جایی قدرت از غرب به شرق اشاره می‌کند و با پرداختن به تحولات و حوادث منطقه‌ی غرب آسیا می‌نویسد که در جهان چنان بیداری سیاسی رخ داده است که در طول تاریخ بی‌سابقه بوده و اگر آمریکا مجموعه‌ای از اقدامات را انجام ندهد، دیگر نقشی در جهان آینده نخواهد داشت. آن‌ها بی‌نظمی دنیای امروز و تغییر معادلات قدرت را فهمیده‌اند و به‌دنبال یافتن و بازسازی جایگاه قدرت خود در آینده‌ی دنیا هستند. امروز یکی از مهمترین مؤلفه‌های تعیین‌کننده‌ی آینده‌ی قدرت، انقلاب اطلاعاتی مبتنی بر پیشرفت‌های تکنولوژیکی سریع است. سواره‌نظام‌ها با قدرت کشتی‌های بخار از معادله‌ی قدرت کنار رفتند؛ کشتی‌های بخار با قدرت آهن و سلاح‌های مدرن کنار گذاشته شدند؛ اما امروز این قدرت آگاهی است که نظم آینده را شکل خواهد داد.



درک ما از موقعیتمان

۱) نظام ارزشی لیبرال دموکراسی مشروعیت خود را به مرور از دست داده است. یکی از دلایل مهم آن انقلاب اطلاعاتی و روشنگری‌های آگاهی‌بخش جبهه‌ی مقاومت علیه این نظام ارزشی است. مثلاً جنگ ۵۰ روزه‌ی غزه توانست تا فارغ از نتایج نظامی‌اش، نتایج فلسفی خود را هم گسترده کند. سببیت، وحشی‌گری، تبعیض نژادی و خشونت لیبرال دموکراسی با حمایت از اسرائیل خودش را نشان داد و نتایج مقاومت این جرأت را به باقی مستضعفین و سلطه‌پذیران می‌هد تا تلاش کنند خود را از زیر سلطه بیرون بیاورند. بی‌جهت نیست که حوادث فرگوسن و میزوری که در اعتراض به تبعیض نژادی در آمریکا رخ می‌نمایند، هم‌زمان با مقاومت غزه روی می‌دهد و بی‌جهت نیست که معترضان در شعارها و صحبت‌هایشان خود را همدرد مردم غزه می‌دانند. همان‌طور که معترضان جنبش ۹۹ درصدی وال‌استریت هم رفتار خود را ملهم از التحریر مصر می‌دانستند. این‌بار اما به دلیل انفجار اطلاعات و این‌که دیگر تنها رسانه‌های غربی نیستند که ماجرا را روایت می‌کنند، این چهره، علنی‌تر و نمایان‌تر شد.

از یک‌سو ناکام بودن غرب در پاسخ به سؤالات امروز مردم و برطرف کردن بحران‌های هویتی، اقتصادی، فرهنگی و ... که لیبرال دموکراسی مولد آنها بوده است و از سوی دیگر روشنگری‌ها و پیروزی‌های مقاومت سبب شده تا امروز سلطه‌ی غرب و قدرت غرب رو به افول برود.

چه منابعی قدرت جدید را تولید خواهند کرد؟ در قرن ۱۶ کنترل مستعمرات و شمش‌های طلا توسط سواره‌نظام اسپانیا بود که این کشور را در صدر قدرت‌ها جای داد؛ در قرن ۱۹ اقتدار بریتانیا برخاسته از انقلاب صنعتی و نیروی دریایی‌اش بود؛ هر چند آمریکایی‌ها با همتشان در قرن ۲۰ گوی سبقت را از انگلیسی‌ها ربودند.

موضوعی که سبب شده تا امکان مدیریت افکار عمومی بین‌المللی برای قدرت‌های جهان امروز کمتر شود. محاسبات نشان می‌دهد که میزان و حجم قدرت تکنولوژی طی ۲۰ سال گذشته هر ۱۸ ماه دو برابر شده است و با آغاز قرن ۲۱ هزینه‌ی تولید آن یک هزارم آن چیزی است که در اوایل دهه‌ی ۷۰ بود. تا نزدیکی‌های دهه‌ی ۱۹۸۰ تماس‌های تلفنی با سیم‌های مسی، یک صفحه اطلاعات را در ثانیه انتقال می‌داد؛ امروزه اما یک تار کوچک از فیبرهای نوری، ۹۰ هزار جلد را در یک ثانیه جابه‌جا می‌کند. در ۱۹۸۰ یک گیگابایت ذخیره‌ی اطلاعات، یک اتاق را پُر می‌کرد؛ اما اکنون ۲۰۰ گیگابایت اطلاعات ذخیره شده در جیب پیراهن شما جای می‌گیرد.

دیگر هر فردی می‌تواند با ابزارهای جدید رسانه‌ای که ارزان هم هستند بر اذهان تأثیر بگذارد. این انقلاب اطلاعات است که منجر به شکل‌گیری هندسه‌ی جدید قدرت خواهد شد. همان‌گونه که حوادث اخیر در خاورمیانه (غرب آسیا) نشان داده است ما در حال درک و تجربه‌ی تأثیرات انقلاب اطلاعات بر قدرت در قرن حاضر هستیم.

نکته‌ی بسیار مهم این‌که هم نای و هم برژینسکی برای نشانه‌های جابه‌جایی قدرت در جهان به حوادث بیداری اسلامی اشاره می‌کنند؛ حوادثی که شاخصه‌ی اصلی آن، ضدصهیونیستی بودن است.

البته باید منتظر ماند و مقالات و کتاب‌های آنان را که تحت تأثیر جنگ ۵۰ روزه‌ی غزه منتشر می‌شود، مطالعه کرد. جنگی که در آن نماد رشد و تکامل تمدن غرب از عده‌ای جوان مقاوم شکست خورد.

رهبر معظم انقلاب در پیام امسال خود به حجاج بیت‌الله‌الحرام تأکید کردند که اتحاد مسلمین، مساله‌ی فلسطین، و نگاه هوشمندانه به تفاوت اسلام ناب محمدی و اسلام آمریکایی، سه اولویت اصلی جهان اسلام است که امت اسلامی باید با بصیرت و ژرف اندیشی، به وظیفه و تکلیف روز خود در قبال این موضوعات عمل کند.

جهان آینده و دوران گذار

دوگونه دگرگونی قدرت در این قرن در حال وقوع است: انتقال قدرت و توزیع قدرت. انتقال قدرت از یک دولت فائقه به دولتی دیگر یک حادثه‌ی تاریخی آشنا است، اما توزیع قدرت یک فرایند جدیدتر است. این جملات به تحلیلی ژئوپلتیک از ماجرای دوران جنگ‌های ۳۰ ساله شبیه است. اما واقعیت این است که عبارت مذکور در آخرین کتاب^۲ جوزف نای، استراتژیست آمریکایی نوشته شده است. او پیش از این کتاب معروف قدرت نرم را با هدف ارائه‌ی راهکاری عملیاتی برای سلطه‌ی آمریکایی‌ها بر دیگر کشورها نوشته بود. نای هم امروز در مقام توصیف وضعیت آمریکا می‌نویسد در خصوص انتقال قدرت، توجه بسیاری به افول احتمالی آمریکا معطوف می‌شود و قیاس‌هایی ساده‌لوحانه و تاریخی با افول بریتانیا و روم صورت می‌گیرد. اما ایالات متحده همچون روم باستان در افول مطلق نیست. (تأکید از نویسنده‌ی یادداشت است) حتی نای وقتی می‌خواهد از آینده‌ی آمریکا دفاع کند، می‌گوید که این کشور در افول مطلق نیست و نه مثلاً شیب صعودش کم شده است. بله؛ همان‌طور که کیسینجر، دیگر استراتژیست مطرح آمریکایی در مقاله‌اش تحت عنوان نظم جدید نوشته است، قدرت آمریکا روبه افول است و به همین دلیل دوران نظم جهان بر مدار قوانین آمریکایی تمام شده است. امروز در دوران گذار به نظم جدیدی قرار داریم که هندسه‌ی قدرت در جهان را تغییر خواهد داد.

اگر در دوره‌ای این کشتی‌های قدرتمند بودند که سواره‌نظام اسپانیایی را کنار زدند؛ امروز یکی از مهمترین عناصر و مؤلفه‌های تعیین‌کننده‌ی آینده‌ی قدرت، انقلاب اطلاعاتی مبتنی بر پیشرفت‌های تکنولوژیکی سریع است. اطلاعات که مقدمه‌ی آگاهی است؛ امروز دارای قدرت فوق‌العاده‌ی گستردگی توزیع است.



یک منطقه‌ی کوچک، با توانایی‌های بسیار محدود، در مقابل رژیم صهیونیستی که نماد قدرت غرب در منطقه است. ژئوپلیتیک عصر اطلاعات بر دو محور استوار است: اول روایتی که به مردم می‌رسد و دوم خود رخداد و اتفاق. بعد از جنگ‌های جهانی، نظم مسلط بر دنیا، فلسطین را به صهیونیست‌ها داد و قرار بود تا اسرائیل منافع غرب را در منطقه‌ی نفت‌خیز غرب آسیا تأمین کند. مسلمانان دو دسته شدند. آن‌ها که سلطه را پذیرفتند و آنان که ایستادگی کردند. اگر اسلام ناب محمدی روایت صحیح از اسلام است که باید به مردم برسد، مقاومت در فلسطین نیز رکن رخداد عصر اطلاعات است. مقاومت همان ارتشی است که باید در میدان پیروز شود.

سواره‌نظام‌ها با قدرت کشتی‌های بخار از معادله‌ی قدرت کنار رفتند؛ کشتی‌های بخار با قدرت آهن و سلاح‌های مدرن کنار گذاشته شدند؛ اما امروز این قدرت آگاهی است که نظم آینده را شکل خواهد داد. کاروان بشریت پیش خواهد رفت در حالی که تشنه‌ی کلام حقیقت است. میادا در این دوره‌ی حساس، اولویت‌ها جای خود را به فرعیات بدهند و کلام حق به گوش عالمیان نرسد؛ همان‌طور که در قرن ۱۵ میلادی نرسید.

امروز قدرت آمریکا (به‌عنوان نقطه‌ی اوج اومانیسیم) به دلیل عدم توانایی‌اش در پاسخگویی به بحران‌هایی که خود مستقیم مقصر ایجاد آن بوده است در حال افول است؛ اما آن‌ها برای حفظ قدرتشان در جهان تلاش‌های مختلفی می‌کنند. از جمله آن‌که می‌کوشند تا با ارائه‌ی نسخه‌هایی بدلی در جهان اسلام نشان دهند که جایگزینی برای او نیست. امروز در عصر اطلاعات، آمریکایی‌ها با رسانه‌هایشان مبلغ اسلام آمریکایی هستند. اسلامی سلطه‌پذیر، تفرقه‌افکن و متحد آمریکا که به جای مبارزه با صهیونیسم با برادر مسلمان خود می‌جنگد. اگر مسلمانان هوشیار نباشند و نتوانند اسلام‌های بدلی را از ایده‌ی اسلام ناب محمدی تشخیص دهند، فرصت تأثیر مسلمانان بر نظم آینده‌ی جهان از دست خواهد رفت و کشورهای سلطه‌گر دوباره خود را بازیابی خواهند کرد و در این میان، وحدت شاخص اسلام ناب در میان مسلمینی است که می‌خواهند از بحران‌های موجود رهایی یابند.

۲) فلسطین، نوک پیکان جغرافیایی مقاومت اسلام ناب با نظام سلطه بوده است و این جغرافیای درگیری هنوز ادامه دارد.

اما امروز در عصر اطلاعات که فرصتی برای صحبت کردن با آحاد مردم بدون وجود واسطه‌های رسانه‌ای فراهم آمده است، کسانی پیروزند که در این بحران هویت و نبود معنا، نظامی ارزشی ارائه کنند که بتواند به بحران‌های امروز حاصل از لیبرال دموکراسی پاسخ گوید و آنها را برطرف سازد. پنج قرن پیش وقتی کلیسای کاتولیک نتوانست به سؤالات مردم پاسخ دهد و بحران معنا در اروپا به وجود آمد؛ وقتی مردم سراسر قاره‌ی اروپا در جستجوی نظام ارزشی جدید در تکاپو بودند و کسی به آن‌ها الگوی مناسبی ارائه نکرد، در همان زمان هویت کاتولیکی اروپا فرو ریخت و نظم جدید بر مبنای اومانیسیم یا کنارگذاشتن خدا از زندگی اجتماعی شکل گرفت.

امروز در عصر اطلاعات، آمریکا با رسانه‌هایش مبلغ اسلام آمریکایی است. اسلامی سلطه‌پذیر، تفرقه‌افکن و متحد آمریکا که به جای مبارزه با صهیونیسم با برادر مسلمان خود می‌جنگد. اگر مسلمانان نتوانند اسلام‌های بدلی را از ایده‌ی اسلام ناب محمدی تشخیص دهند، فرصت تأثیر مسلمانان بر نظم آینده‌ی جهان از دست خواهد رفت و کشورهای سلطه‌گر دوباره خود را بازیابی خواهند کرد.

**امروز در عصر اطلاعات،
آمریکایی‌ها با
رسانه‌هایشان مبلغ اسلام
آمریکایی هستند که
اسلامی سلطه‌پذیر،
تفرقه‌افکن و متمد
آمریکا که به جای مبارزه
با صهیونیسم با برادر
مسلمان خود می‌جنگد**

